

[۵] دولت پنهان  
واقعیت یا افسانه

[۷] شایسته‌سالاری  
حلقه مفقوده مدیریت

[۸] تأملی در انتخاب  
سرپرست شهرداری قزوین

# یقه‌هایی که هر روز سفیدتر می‌شوند!

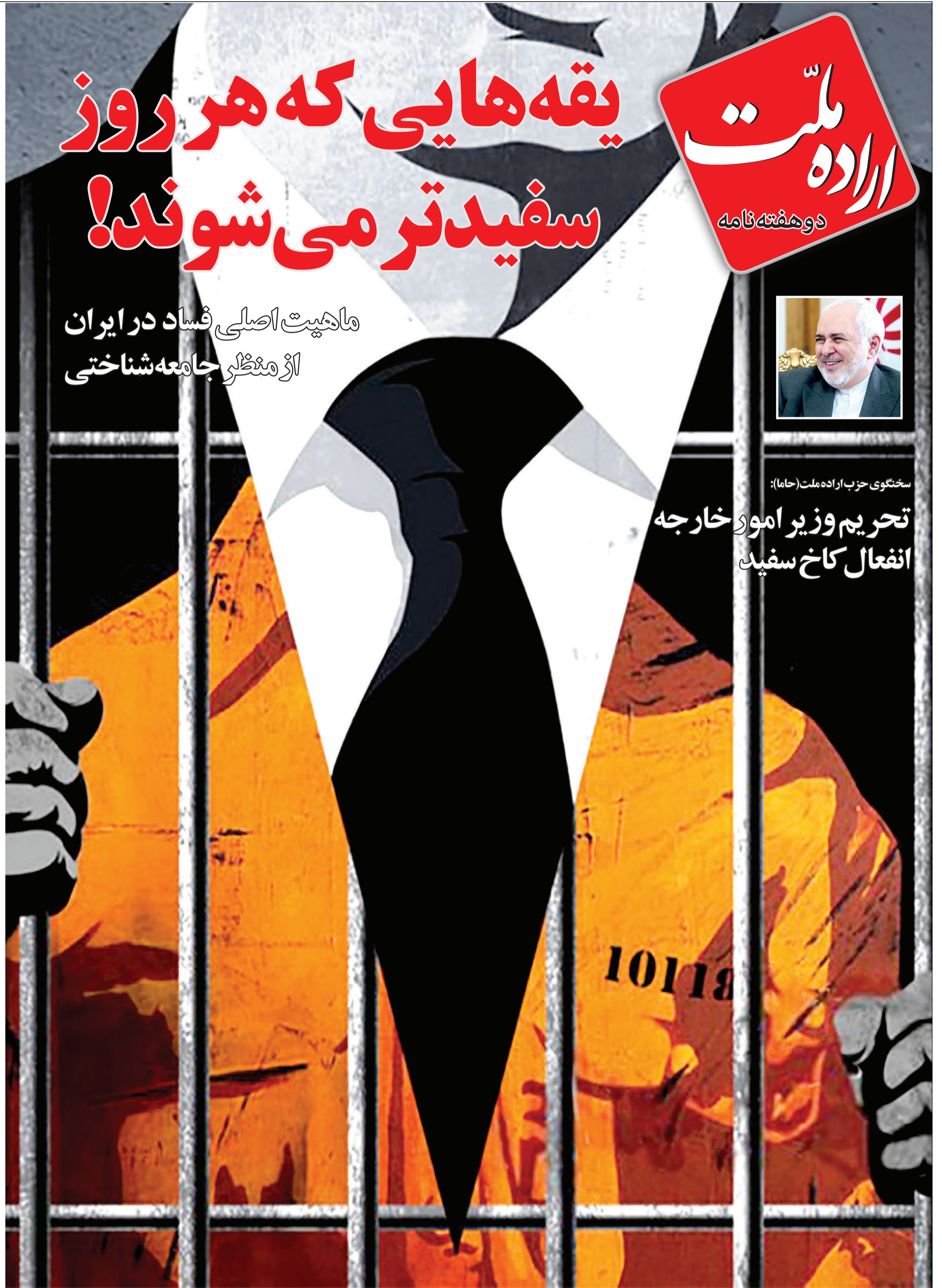


ماهیت اصلی فساد در ایران  
از منظر جامعه‌شناختی



سخنگوی حزب اراده ملت (حامی):

تحریم وزیر امور خارجه  
انفعال کاخ سفید







آسیب‌شناسی تئوریک اصلاحات؛

## از اصلاح تا جنبش



رحیم حمزه



احمد حکیمی‌پور



علی مه‌ری

طبیعی است که تصور کنیم موضوع آسیب‌شناسی اصلاحات از آن‌رو که خواست و میل قلبی اکثریت جامعه بوده چقدر واجد اهمیت است. از این‌رو در موضوع آسیب‌شناسی مطالب بسیاری و از زوایای مختلفی در مطبوعات درج شده است که به‌جا و موقع خود قابل تأمل و توجه بوده و قطعاً به کار می‌آیند. تا آنجا که به خاطر داریم بعضی از این مطالب از منظر نظری هم به بحث پرداخته‌اند اما در رویکرد تئوریک به‌جز چند مطلب قابل تأمل که البته موضوع و محوریت بحثشان آسیب‌شناسی نبوده بلکه به ریشه‌ها و عوامل پیدایی، دوم خرداد و جریان اصلاح‌طلبی معطوف بوده‌اند و از آن میان هم تنها مطلبی که در راستای گفتمان دوم خرداد بوده و مبتنی بر تحلیل گفتمانی، کتاب جادوی گفتمان دکتر کاشی است. اغلب مطالب نوشته‌شده در فضای تنسی و در درون گفتمان اصلاحات صورت گرفته، از منظر اصلاحات پیروی نموده و

نمی‌توان برای برون‌رفت از این وضعیت به آن‌ها متوسل شد. بریدن از فضا و شکستن قالب‌های منطق اصلاح‌طلبی و نگرش فراگفتمانی از ضرورت‌های بحث آسیب‌شناسی است چرا که آنچه در فضای اصلاح‌طلبی نوشته می‌شود در واقع تمجید و تعریف است گرچه ظاهری نقادانه و حتی پرخاشگرانه داشته باشد. علی‌ای حال بعد از گذشت حدود ده سال از پدیده دوم خرداد و شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی نیازمند نگرش تئوریک و نیز معرفتی به گفتمان دوم خرداد هستیم. کاری که لازمه آن همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برون آمدن از فضای اصلاح‌طلبی و نگرشی از بیرون به آن است. متن حاضر در سال ۱۳۸۶ به موازات آسیب‌شناسی معرفتی گفتمان اصلاح‌طلبی که طی دوازده شماره تقدیم گردید شروع گردید که اکنون برای اولین بار منتشر می‌شود. باشد که اهالی نظر به دیده انتقاد در آن چشم دوخته، ما را در تعمیق آن یاری‌گر باشند.

مطبوعات و احزاب عملی می‌شود؛ بنابراین آزادی احزاب و مطبوعات و نیز آزادی بیان از مطالبات آن‌هاست. در حوزه خصوصی خواهان آزادی اجتماعی، حقوق شهروندی و غیره هستند. در حوزه فرهنگی و اجتماعی خواهان آزادی در عرصه هنر، خلاقیت‌گسترش و توسعه علمی، مطالبات قومی، اصلاح ساختار اداری و برچیدن بساط رشوه‌خواری مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و حفظ محیط‌زیست و غیره است.

۲- مطالبات طبقات پایین که دغدغه معیشتی دارند طبیعی است که معطوف به مسائل اقتصادی مانند بیکاری، گرانی، مبارزه با فساد و تبعیض و توزیع عادلانه درآمد است. طبقات پایین نیازهای متعالی‌شان را به جای محصولات فرهنگی با نیازهای مذهبی رفع می‌کنند. لازم به توضیح است که بحث تبعیض شامل انواع تبعیض است اعم از (قومی-مذهبی و زبانی) و غیره.

### • طبقه‌بندی مطالبات از نگاه حکومت

طبیعی است که هر سیستم حکومتی برای کارآمد شدن به اصلاحات نیازمند باشد و تصور این که حکومت با هر نوع اصلاحات مخالفت می‌کند برداشتی سطحی و عوام‌فریبانه است، بنابراین حکومت جمهوری اسلامی هم نیازمند اصلاحات است؛ اما اصلاحات موردنظر آن متفاوت است. مطالبات از نظر حکومت به سه دسته طبقه‌بندی می‌شود:

۱- مطالبات نقد: مطالباتی است که موجب کارآمدی حکومت شده و خود حکومت هم خواهان آن است البته مطالباتی هم وجود دارد که کارآمدی حکومت را افزایش می‌دهد اما حکومت به آن یا اشراف ندارد یا بقای آن را برای ادامه حاکمیت خود ضروری می‌پندارد و لذا برای آن حاضر است هزینه پرداخت کند. این موضوع را در تحلیل مطالبات بررسی خواهیم کرد.

۲- مطالبات در چالش: مطالباتی است که مربوط به هیأت حاکمه و یا ساختار حقوقی بوده و از طریق چالش ممکن است عملی شود.

۳- مطالبات ممنوع: مطالباتی است که اصل حکومت را زیر سؤال می‌برد و بنابراین از طریق مسالمت‌جویانه نمی‌توان به آن دست یافت.

تفصیل بیشتر در خصوص تقسیم‌بندی مطالبات از نظر حکومت را در تحلیل مطالبات توضیح می‌دهیم.

تحلیل مطالبات:

بدیهی است آن‌هایی که خودی محسوب می‌شوند و در چرخه قدرت قرار دارند مطالباتی ندارند. چرا که قدرت دست‌یابی به خواسته‌های خود را دارند.

افراد از جامعه که مطالباتی دارند و حکومت می‌شوند به سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنیم.

۱- خودی‌های دیروز

۲- غیر خودی‌ها

۳- مردم عادی

خودی‌های دیروز نیز در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- خودی‌های دیروز قابل تحمل

۲- خودی‌های دیروز چالشی

۳- خودی‌های دیروز غیر قابل تحمل

وقتی که پروژه‌ای برای رسیدن به مطالبات به سرانجام می‌رسد، خصوصاً وقتی این پروژه مسیری دمکراتیک و در درون نظام را پیش می‌گیرد تا به نتیجه نهایی برسد. آن را اصلاحات می‌نامیم. بدیهی است پروژه‌ای که به سرانجام نرسیده و قدرت عملی شدن پیدا نکرده در مرحله جنبش قرار دارد. مگر این که مقصود از اصلاحات چیز دیگری بوده که حاصل شده باشد. مثلاً رسیدن به قدرت، یعنی رئیس‌جمهور شدن، رئیس مجلس شدن، نماینده و وزیر شدن و امثالهم.

چسرا عسدهای واژه اصلاحات را به کار می‌برند و عده‌ای نگرش جنبشی دارند؟

قبل از پاسخ دادن به این سؤال نیاز داریم ماهیت و انواع مطالبات جامعه و موجود میان گروه‌ها را بشناسیم.

### • مطالبات گروه داخل چرخه قدرت

آن‌هایی که خود را در چرخه قدرت می‌دانستند ولی به دلایلی از دست‌یابی به قدرت محروم شده بودند. طبقاً مطالباتشان معطوف بود به سازوکاری که وارد قدرت شوند. این نوع مطالبات به سه طیف مطالبات طبقه‌بندی می‌شوند.

۱- مطالباتی که در حد چانه‌زنی برای اخذ صلاحیت است.

۲- مطالباتی که معطوف است به اصلاح قانون انتخابات و حذف نظارت استصوابی و وسیع کردن دایره تأیید صلاحیت.

۳- مطالباتی که گزینه رد صلاحیت را به‌جای تأیید صلاحیت اتخاذ می‌کند و هم‌زمان اختیارات شورای نگهبان و وزارت کشور را کاهش می‌دهد.

### • مطالبات گروه خارج از چرخه قدرت

این مطالبات طیف وسیعی را شامل می‌شود از مطالبات گروه‌هایی که اصل نظام را قبول دارند تا گروه‌هایی که اصل نظام را قبول ندارند؛ و از مخالفت با هیأت حاکمه شروع شده تا اصلاح قانون اساسی و حتی تغییر قانون اساسی و حکومت. این مطالبات را می‌توان در سه طیف طبقه‌بندی کرد.

۱- کسانی که خواستار تغییر هیأت حاکمه (از رهبری گرفته تا تمام‌نهادهای حکومتی) هستند ولی اصل نظام را قبول دارند.

۲- کسانی که معتقدند با اعمال پاره‌ای اصلاحات در قانون اساسی به مطلوب‌شان می‌رسند.

۳- کسانی که این قانون اساسی را قبول نداشته و خواهان تغییر آن هستند. البته این طبقه گرچه همه گروه‌ها را شامل می‌شود اما بدیهی است که حتی این گروه‌ها هم در درون این طبقه‌بندی یکسان نمی‌انداختند و تفاوت فاحش باهم دارند اما علی‌احوال تا حد طبقه‌بندی در بحث ما کفایت می‌کند.

البته طیف چهارمی هم وجود دارد که اگر چه مطالبات آن‌ها در طبقه‌بندی مطالبات گروه سوم (بی تفاوت به قدرت) قرار می‌گیرد؛ اما به لحاظ سیاسی در گروه دوم قرار دارند؛ مانند حقوق بشر و حقوق زنان و امثالهم.

مطالبات گروه سوم و بی تفاوت به قدرت

این مطالبات به دو گروه عمده طبقه‌بندی می‌شوند. مطالبات طبقه متوسط و مطالبات طبقات پایین.

۱- مطالبات طبقه متوسط معطوف است به حوزه عمومی، خصوصی و فرهنگی و اجتماعی در حوزه عمومی خواهان نظارت بر عملکرد حاکمیت و دولت است که این از طریق

مطالعات آکادمیک به وجود نیامده است و اصولاً پدیده‌های اجتماعی این گونه‌اند. گاهی اوقات یک واژه به‌تعمیه می‌تواند بار معنایی موردنظر را پوشش دهد و گاهی هم که اکثر اوقات چنین است مفهومی وجود دارد که واژه واحدی و یا مشخصی برای آن نیست لذا شما مجبور می‌شوید واژه‌ای برای توضیح آن خلق کنید؛ که برای یکنواختی در نام‌گذاری و طبقه‌بندی هر دو را واژه مفهوم به کار می‌بریم.

### • آغاز بحث

در دوره‌ی اصلاحات با دو واژه - مفهوم عمده روبرو هستیم، واژه - مفهوم نخست اصلاحات است مانند دولت اصلاحات - دوره‌ی اصلاحات - مجلس اصلاحات و غیره. واژه - مفهوم بعدی جنبش است مانند جنبش اصلاح‌طلبی، جنبش دانشجویی، جنبش مدنی، جنبش زنان، حتی لفظ اصلاح‌طلبی (که در خود واجد معنای جنبش است).

آن‌هایی که در چرخه قدرت قرار داشتند و با چنین احساسی داشتند، واژه‌ی اصلاحات را به کار می‌بردند و آن را مناسب تشخیص می‌دادند و هنوز هم بر این باور هستند. عده‌ی دیگری که در چرخه قدرت قرار نداشتند و با چنین احساسی را نداشتند، مفهوم جنبش را به کار می‌بردند و آن را می‌پسندیدند و طیف سوم هم بودند که پراشان فرقی نداشتن چرا که تمایلی به قدرت نداشتند و هر دو را بکار می‌بردند گاهی این و گاهی هم آن را، هر دو پراشان یک معنی داشت.

اما قدرتی وجود دارد و مطالبات ما در واقع با نسبتی که با قدرت داریم تعریف می‌شود؛ بنابراین بحث خود را روی دو گروه اول واجد قدرت و فاقد قدرت متمرکز می‌کنیم و سپس طیف سوم را هم وارد بحث می‌کنیم. طبیعی است کسانی هم بوده‌اند که به‌متناسب ورود و خروجشان از قدرت ادبیاتشان فرق کرده است. هم چنین ممکن است افرادی بوده‌اند که علیرغم حضور در قدرت به علت احساسی که نسبت به قدرت داشته‌اند ادبیاتشان با دیگران فرق داشته و لذا به‌تدریج از قدرت کنار گذاشته شده و یا خودشان به اختیار خارج شده‌اند؛ اما این مسائل خدشه‌ای به بحث ما وارد نمی‌کند.

### • واژه‌های اصلاحات و جنبش و مطالبات و مفهوم آن در بحث

در این بحث ما قدرت را محور بحث خود قرار داده‌ایم در تحلیل گفتمانی نیز قدرت محوریت دارد. همه چیز در رابطه با آن تعریف می‌شود. در واقع مطالبات در رابطه با قدرت تعریف می‌شود. اگر شما خواسته‌ای داشته باشی که از طریق قدرت بتوانی به آن برسی آن را جزو مطالبات می‌نامیم و خواسته‌های دیگر جزو مطالبات محسوب نمی‌شود. بدیهی است کسانی که در قدرت قرار دارند مطالباتی ندارند چرا که قدرت در دست آنان است اگر قدرت آنان تکافوی خواسته‌هایشان را نداشته باشد یا دل‌نگرانی از بابت از دست دادن قدرت را داشته باشند. مطالباتشان شکل می‌گیرد.

یعنی همیشه مطالبات از سوی کسانی مطرح می‌شود که یا قدرت ندارند و یا قدرت تکافوی خواسته‌هایشان را نمی‌کند و دل‌نگرانی از بابت از دست دادن قدرت را دارند. با این مقدمات به تعریف واژگان اصلاحات و جنبش می‌پردازیم:

اتفاقاً همین الگو در مورد اصلاحات هم به کار می‌آید و اگر درست ملاحظه کنیم می‌بینیم همان بلایی که سر مشروطه آمد و تبدیل شد به مشروطه سر همین لفظ اصلاحات هم آمد تا جایی که بعضی آن را ربط دادند به جمله معروف امام حسین که فرمود: ... «انی لم اخرج لشر و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی» و ... که در طول مقاله به آن اشاره‌ای خواهیم داشت.

علی‌ای حال تا حدودی روش است که در این بحث می‌خواهیم چه اتفاقی روی بدهد و یا بهتر بگوییم می‌خواهیم چه چیزی را در هم بریزیم. قبل از شروع بحث به چند نکته اشاره می‌کنیم که در بحث ما ضروری است به آن‌ها توجه شود. ۱- واژه و لفظ اصلاحات و یا اصلاح‌طلبی که بکار می‌برم صرفاً به‌منظور استفاده از لفظ مشترک برای نام‌گذاری پدیده‌ی است که از دوم خرداد ۷۶ شروع شده و ادامه دارد و اصلاح‌کاری به بار معنایی این الفاظ ندارم.

۲- در این تحلیل منظور از واژه گفتمان در واقع همان نظم گفتار است دقیقاً به همان معنایی که فوکو بکار می‌برد.

۳- در این مطلب از روش تحلیل گفتمانی استفاده شده است. گرچه در این روش یک یا چند متن به‌عنوان نمونه هدفمند انتخاب می‌شود؛ اما ما در این مطلب به چند دلیل به‌جای استفاده از متن از حافظه جمعی مخاطبان استفاده می‌کنیم. اول - این که انتخاب یک یا چند متن از میان صدها و هزارها متن موجود که به‌تواند به‌تعمیه یک دوره‌ی هشت‌ساله را نمایندگی بکند وجود ندارد و یا خیلی مشکل است. خصوصاً این که این متن‌ها بی‌نهایت از هم متأثر هستند و لذا این که بتوان متنی را انتخاب کرد که بر سایر آنها تأثیر گزار باشد و مادر تلقی بشود عملاً وجود ندارد خصوصاً این که گویندگان این متن‌ها هم از داخل چرخه قدرت وجود دارند و هم از خارج چرخه قدرت البته رسیدن به یک نمونه کامل مستلزم فرصت مطالعاتی زیادی است و معلوم هم نیست منجر به نتیجه بشود یا نه در صورتی که حافظه مخاطب با توجه به موضوعی که برای این تحقیق نیاز دارم به‌وضوح و روشنی آن را به خاطر می‌آورد و لذا ضرورتی برای صرف وقت و هزینه نیست. دوم - این که انتخاب یک یا چند متن ممکن است یک یا چند نفر را متهم آسیب‌های مورد مطالعه قرار دهد. لذا امکان حاشیه‌سازی و انحراف از بحث هم ممکن است پیش بیاید که نتایج آن را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۴- گرچه به نظر ما رویکرد معرفتی در بحث آسیب‌شناسی واجد اهمیت است، اما آن فرصت دیگری را می‌طلبد. در این بحث رویکرد ما تئوریک بوده به این معنا که با اتخاذ روش تحلیل گفتمانی الگو و مدلی را که پیش‌تر در مثال سید حسن تقی زاده اشاره کردیم و آن مدل جعل معنی می‌نامیم بکار می‌بریم تا بتوانیم از دل این مدل فرضیه‌ای که بتواند جریان بعد از دوم خرداد را توضیح دهد بیرون بکشیم.

۵- نکته آخر این که لفظ واژه مفهوم را که برای طبقه‌بندی در مرحله اول بحث انتخاب کرده‌ام، منظور من را به خوبی پوشش می‌دهد. چرا که در گفتمان اصلاحات، بسا واژه - مفهوم‌های بسیاری روبرو هستیم و کلیدواژه‌ی تحلیل گفتمانی اصلاحات را تشکیل می‌دهد و حتی در مبحث آسیب‌شناسی معرفتی هم می‌تواند به کار برود. دیلش هم این است که اصلاحات در پی

### • مداخل بحث

نسبت گفتمان و قدرت بعد از آنکه فوکو و دیگر ساختارگرایان و بعد از آن پسا‌ساختارگرایان اصول بنیادی تفکر خویش را عرضه کردند. تفاوت زیادی کرده است. پیش از آن گفتمان در کنار زور و زور ابزار قدرت محسوب می‌شد و هنوز هم بعضی‌ها اقتناع را با گفتمان مترادف می‌دانند؛ اما واقعیت چیز دیگری است. قدرت در گفتمان بازتعریف می‌شود؛ و نسبت گفتمان با قدرت همانند نسبت آب است با ماهی و یا حتی از این هم فرار می‌توان رفت در واقع گفتمان روح قدرت است و حیات و ممات قدرت را در دست‌ان گفتمان می‌توان دید. ضعف و قدرت گروه‌ها را در ضعف و قدرت گفتمان آن‌ها می‌توان جست. با به چالش کشیدن گفتمان اصلاحات می‌توان فضاهای جدیدی خلق کرد و از این ایستایی و دکاماتیسمی که بر تفکر اصلاح‌طلبی عارض شده گریخت. همین که واژه اصلاحات و اصلاح‌طلبی برای شناسایی و تفاوت و تمیز جریان با دیگران بکار می‌رود و این حقیر نیز مجبور به استفاده‌ی از آن هستم تا بتوانم با مخاطب خویش ارتباط برقرار کنم در حالی که به این تقسیم‌بندی قائل نیستم و معتقدم در خارج از جریان اصلاح‌طلبی حرکت‌های اصلاحی و اصلاح‌گرایانه به وجود آمده و به نیازهای مردم و جامعه پاسخ می‌دهند و از این‌رو مردم را با خود هم‌سراه کرده‌اند؛ و از روی خودمحمور بینی جریان اصلاح‌طلبی به‌اشتباه همچنان اصول‌گرا و ... نامیده می‌شوند، دلیل واضح و آشکاری است که گفتمان اصلاحات یا اصلاح‌طلبی یا هر چه می‌نامیم کارایی خود را از دست داده است؛ و در فضاهای سیر می‌کند که بیگانه از محیط پویا و فعال و جامعه در حرکت است. اگر زمانی جریان اصلاحات آوانگارد و پیش‌ساز بود، اینک پس‌رو و عقب‌مانده نشان داده و دیگران گوی رقابت و همراهی مردم را برودند.

اصلاح‌طلبان را گریزی نیست مگر این که در افقی بیرون از گفتمان و منطق اصلاح‌طلبی ایستاده و به اصلاح گفتمان خویش بپردازند. چه اگر اصلاح‌طلبی قسار به اصلاح خود نباشد اصلاح‌طلبی و اصلاحات الفاظ بی‌مسماهی بوده و ردایی است که بر قامت آنان نمی‌ایستد.

در اینجا لازم است اشاره‌ای داشته باشیم به سخنان سید حسن تقی زاده در انجمن مهرگان. ایشان در پاسخ به سؤالی در خصوص مشروطیت مطلب جالبی گفته‌اند که اتفاقاً اگر آن را الگوی مطالعه در آسیب‌شناسی جنبش‌های دمکراتیک ایران قرار دهیم فوق‌العاده کارآمد بوده و مداخلی است برای بحث ما. ایشان می‌گویند (نقل به مضمون):

در دوران مشروطیت در تبریز یکی از علمای مشهور و معروف تبریز از من راجع به مشروطیت سؤالی کرد و من نیز در پاسخ، به توضیح حکومت قانون، اصل تفکیک قوا و غیره پرداختم. ایشان پس از شنیدن پاسخ من گفتند این‌ها که در شریعت ما نیست شما این‌ها را از غرب گرفته‌اید؟ گفتم بلی گفتند در غرب به آنچه می‌گویند؟ گفتم «کنستیتوسیون» (Constitution)، ایشان به من گفتند چه خوب است همان لفظ «کنستیتوسیون» را بگویند و بکار ببرید و قتی شما لفظ مشروطه را بکار می‌برید به من عمامه به سر فرصت می‌دهید بگویم هذا شرط، بشرط و مشروط به نبودن آزادی، به نبودن قانون و غیره! و این همه رشته‌های شما را بنبه خواهد کرد.







# درباره گسست نسل‌ها

سخنرانی شروین و کیلی در نشست فصلی کمیته فرهنگی حزب اراده ملت ایران

به این ماجرا اشاره شده است. افلاطون در کتاب جمهور می‌گوید احتیاط در یک جامعه‌ای رخ می‌دهد چه اتفاقی می‌افتد؟! جوان‌ها از بزرگ‌ترها نشان اطاعت نمی‌کنند. عین جمله را در اخلاق ناصری هم می‌خوانید در متون دیگر هم می‌خوانید. به عبارت دیگر شما اگر در طی تاریخ به متونی که در مورد اخلاق نوشته شده نگاه کنید یک چیزی که مشترک می‌بینید این است که در هر نسلی از اینکه نسل بعدی جوان‌ها که دارند میان منحط‌اند و بی‌ادب‌اند و ماشا... رعایت ما را نمی‌کنند و چرا این گونه‌اند شکایت می‌شوند. به عبارت دیگر گسست نسلی به معنای تفاوت میان مردمی که در دو نسل متفاوت زندگی می‌کنند به نظر می‌آید که یک امر جهانی و یک امر عمومی در تاریخ است. همه جوامع در کل تاریخشان انگار این شکلی بودند، نسل‌های جدید با نسل قبل یک تفاوت‌هایی داشتند منتها چه تفاوت‌هایی و کی این تفاوت به گسست منتهی می‌شود؟ در واقع این‌ها پرسش‌های مرکزی اولیه ماست.

به همت کمیته فرهنگی حزب اراده ملت ایران نشست فصلی با موضوع گسست نسلی در روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۳/۲۹ در محل موسسه نشر آوران با حضور جمعی از علاقه‌مندان حوزه فرهنگ برگزار شد. در این نشست مجید ابهری و شروین و کیلی به ایراد سخنرانی پرداختند. مفهوم جامعه‌شناختی نسل، الگوی چرخش نسل‌ها، تأثیر انقلاب‌های فناورانه و تنش‌های اجتماعی ایران امروز ناشی از گسست‌های نسلی از جمله مباحثی بود که شروین و کیلی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در این نشست به آن‌ها پرداخته است که اراده ملت از این شماره و در چند قسمت منعکس خواهد نمود. مسأله گسست نسل‌ها برای کسی مثل من که یک نسل بینابینی است مسأله خیلی ملموسی است. چه چیزی ما رو متمایز می‌کند از نسل قبل و نسل بعد. این شکافی که ما معمولاً می‌بینیم بین نسل‌ها از کجا می‌آید؟ این شکاف یک شکاف کهنی است. ماجرا این نیست که ما الآن با آن روبرو باشیم، ماجرا این نیست که از این نظر جامعه ایران الآن ویژه باشد. شما اگر متون تاریخی رو بخوانید می‌بینید همه جا

نسل ما چه باید بکند چه می‌تواند بکند و چه چیزها و ما منابعی در اختیار داریم اتفاقاً با همه این حرف‌هایی که زدیم خوش بین هستیم در مورد نسل بعد و امیدوارم یک زمانی یکی از دوستانم به من گفت این احتمالاتی که می‌گی چند درصد است گفتیم بین ۵ تا ۱۰ درصد گفت این که امید نشد گفتیم یکجایی امید پشتوانه دارد از جنس خواست و مایحتمان امید خالی نیست امید و اراده است و این چیزی که الآن می‌خواهم بگویم امید و اراده است امید و خواست، خواست، بودن، سالم تندرست شکر فای زیست جهان نسل بعد از ما می‌آیند که ما باید داشته باشیم تا اگر ما سالم باشیم و تن درست و به لحاظ آماری هنوز هستیم بعد از این همه بلا سر ایران آمده شما یک مقدار آمار بگیرید هنوز یک جمعیت پویا و چالاک سالم داریم همچنان موج زلزله می‌آید، سیل می‌آید، شلوغ می‌شود چند نفر حمله می‌کنند خانه همسایه رو غارت می‌کنند صفر و توأم یکا این کار را می‌کنند و این تصورات ما ایرانی‌ها این طور هستیم یک بخشی غیر علمی و بخشی غلط و یک بخشی برنامه‌ریزی شده است تصویری که من در مورد ایران زمین و نسل‌های بعدی دارم خوش بینانه است به سه دلیل یک این نسل جوانی که ما داریم نسل جوانی ست با اینکه بیگانه است از ما اما باهوش چالاک و جسوری است و تردیدی در این نیست من از یاد نمی‌برم ما همیشه دهه شصت‌ها رو می‌خندیدیم به آن‌ها چون دهه پنجاهی بودیم و احساس بزرگی می‌کردیم تا در اواخر دهه ۸۰ اتفاقی افتاد که دهه شصتی‌ها داخل آن بودند چون پخته و جسور بودند و هوشمند با یک رسانه جدید فیس بوک و خیلی جالب که خیلی جاها عدد تعیین کننده است یکجا یک دهه شصتی می‌بینید یکجا پنج هزار دهه شصتی می‌بینید که اینجاست می‌بینید مردم سیل می‌آید ده هزار نفر مدعی آنجا هستند. نسل جوان چه کار می‌کند سیل می‌آید. اعتراض اجتماعی می‌شود چه اتفاقی می‌افتد این‌ها هوشمند رفتار می‌کنند خیلی از این‌ها اخلاقی رفتار می‌کنند. این‌ها اخلاق یاد نگرفتند کسی به این‌ها

اخلاق یاد نداده این‌ها در واقع چرند تحویل گرفته‌اند این‌ها سیرال‌های کراهی مزخرف دیده‌اند این‌ها سیرال‌های ترکیه چرند در مورد خانواده دیده‌اند این‌ها زیست جهان‌شان این شکلی از چرندیات سرگرم کننده اشیاع شده‌من به این می‌گویم چرند چون محتوای معنایش کم است چون من شاهنامه خواندم از دید آن‌ها چرند نیست و مشکلی هم نیست کلمه چرند رو به عنوان یک کلمه تحقیر آمیز نشنود به عنوان متن که محتوای معنایی رقیق دار ببینید. منتها این آدم‌هایی که با این محتوا خود گرفتن در شرایطی که سیل می‌آید یک فروشگاهی فرومی‌ریزند نمی‌روند غارت کنند. ما ورزقان و کرمانشاه بودیم مگر کسی غارت کرد کم‌کارسانی کردند بسیار سازمان یافته بودند اما جوان بسیار خوب بودند نسل جدید ماهر چقدر بیگانه از نظر مامی آید جوهر خوبی دارد یک جوهر اخلاقی دارد و این را باید دید و تقویت کرد.

این را می‌گویم تجربه من از زیست جهانم است منتها می‌خواهم بگویم تجربه من در زیست جهان تجربه یک شهر و ند عادی در زیست جهان نیست تجربه منتها به چند دهه نفر نیست تجربه منتها مبتنی بر چند دهه هزار نفره یکجایی به لحاظ آماری چند دهه هزار نفره یعنی آمار عمومی تر طبعاً میلیونی نیست شما ممکن بگوید شما داری اینچارو می‌بینی خوش بینی شاید این طوری باشد منتها آمار علمی آینه شما از یک عدلی رد بشوید می‌گویم یک نتیجه گیری علمی می‌شود کرد.

رخ داده‌هایی که دارد گسست تولید می‌کنند رخ دایی هست که دارد من‌ها را توانمند می‌کند یعنی تعداد گزینه‌های پیش‌روی من‌ها زیاد می‌شود مثال شما یک دوره‌ای را دارید که یک نموداری کاریکاتوری داریم که می‌گفت معجزات بر سال که همین طور معجزات بود با یک ریتم مشخصی که یک دفعه زده بود که دوربین در گوشی موبایل و یک دفعه افت کرد بود فوتوشاپ صفر شده بود یک دوره‌ای است آن وسط که فن آوری به وجود آمده ولی پخته نیست هنوز یک دوره‌ای

بود که مثلاً شما می‌دید که فن آوری‌هایی به وجود آمده که خود همین اینترنت که ابزار ارتشی آمریکا بود اما الآن طرف دارد با خانواده‌اش آن طرف دنیا صحبت می‌کند رفتار انسانی و ارتباطی این فن آوری جدید دارند دامنه آزادی رفتار انسان‌ها را زیاد می‌کنند این یک نکته مهمی است طبعاً چیزهای دیگری هم دنبال است طبعاً شما داری به خانواده‌ها پیغام می‌دهی یکی دارد شنود می‌کنند این‌ها هم هست منتها دامنه‌ها تغییر می‌کنند و زیاد می‌شود من‌ها به لحاظ آماری نیرومند می‌شوند هنگامی که فیس بوک اولین بار آمد یک فرصت طلایی برای افراد خاله‌زنک که به طور ناشناس در مورد یک آدم هر چیزی دوست داری بنویسی و همه بشنوند به وجود آمد چون یک موقعیت طلایی تمام تاریخ شایعه‌پرازی و پشت سرگویی منتظر این لحظه طلایی بود که تو بتوانی یک چنین کاری بکنی یعنی این که شما می‌دید هنگامی که فیس بوک آمد تو دو سال اول همه پشت سر هم حرف می‌زدند همه در حال افشاگری بودند فلاتی با فلاتی ارتباط دارد و... و کم کم تغییر کرد این رویه یک نفر مثلاً خانم فلانی کپی کرده اثر هنری را می‌توانید ده تا عکس همراهش بفرستی که طرف بخواند این را دلیل دیگر الآن لازمه تغییر می‌کند می‌خواهم بگویم که این موج فن آوری می‌آید و همه چیز را به هم ریخته می‌شود به یک تعادلی می‌رسد به یک عقلانیتی منتهی می‌شود

دومین نکته‌ای که گفتم آزادی من‌ها دارد بیشتر می‌شود و من‌ها نیرومند تر می‌شوند همچنان که نسل جدید در خواست‌هایش دقیق تره در برابر خودش نیرومند تره چرا که توانمندی این را باید در نهاد در خیلی از زمینه‌ها سرگردان و بی‌فرجام نادان و سطحی است منتها خودمان در آن سن چه وضعیتی داشتیم در طی این رسانه‌ها نگاه کنیم که جذاب هستند. سومین نکته‌ای که گفتم این بود که اشاره‌ای کردم... را تربیت کنند این که این امکانات رسانه جدید آنچه که این گسست را تولید کرده در

ضمن دسترسی به منابع فرهنگی را افزون کرده یعنی هنگامی که گوشی همراه تازه آمده بود پیامک مد شده بود یک جریانی شروع شد من هم درون آن بودم نکند که زبانمان فینگلیش بشود خط هامون تغییر کند و نگارانی را هر کس به گونه‌ای می‌نوشت که این را چه کار کنیم همین را استاندارد کنیم فارسی بکنیم یک گروه بسیار نخبه و نازنین از جوان‌های مافونت‌های اولیه پیامک را درست کردند پیامک‌ها فارسی شد و ویندوز عربی شد و بعد فارسی این‌ها رو بدن اینکه دولت پشتش باشد مردم خودشان این کار را کردند تنها زمانی که در اینترنت هیچ دولتی پشتش نیست فارسی است خرج‌هایی که برای زبان‌های دیگر می‌شود باور نکردنی است آن زمان من سه تا پیش‌بینی کردم و دوستان به من می‌خندیدند؛ زبان فارسی مد می‌شود و استاندارد و مردم شاهنامه را در اینترنت می‌خوانند؛ یک گروه نازنینی شروع کردند منابع فارسی را روی اینترنت گذاشتن، ویرا بود اسمش بعداً شد گنج‌جو رو الآن عملاً بدنه متون فارسی ادبی را داریم رو اینترنت

و چیزی را که می‌بینم استاندارد شد روی اینترنت و کانال‌ها شعر دوبل می‌شود و چقدر استاندارد است عجیب نیست نسلی که گسسته است بشناسد گذشته را کاری که ما می‌توانیم بکنیم این است که آن چیزی که گران‌بهاست داریم و فراوان داریم در فرهنگمان اول خودمان بخوریم و بعد سفره‌ای برایش باز کنیم مطمئن باشید جوانان می‌آیند و می‌خورند جوانان از خرده‌ریزهایی که تصادفی می‌ریزد درست می‌خورند و آدم‌های برجسته هست در نشان امیدوار باشیم نه به جوانان نه به خاطر اینکه احتمال آماری‌اش بالاست به خاطر اینکه خواست ماست خواست ایران زمین است اراده باقی ماندن ایران زمین است و ایران زمین به این خاطر مانده که خواست بوده و گر نه بقای احتمال تلاوم تمدن ایران پایین بوده و همیشه باقی مانده‌نه به خاطر احتمال آماری بالای رخدادها بلکه به خاطر خواست انسان‌ها در زیست جهان‌شان.



# شایسته سالاری

## حلقه مفقوده مدیریت



یحیی نسی  
بازرس حزب اراده ملت دفتر اهواز  
Yehya.nesi@gmail.com



استقرار نظام شایسته سالاری و یاشایسته محوری یکی از خواسته‌های به حق مردم از حکومت‌ها و مسئولان حکومتی است. رعایت اصل شایسته سالاری در واگذاری مناصب و مشاغل حساس و کلیدی نه تنها در ثبات، رشد و پیشرفت کشور مؤثر است، بلکه یکی از رموز موفقیت و ماندگاری زمامداران و حکمرانان خوب به حساب می‌آید. - قدرت آینده جهان از جهات اقتصادی، سیاسی و فن آوری در انحصار هوشتندان و شایستگان تلاش است، اگر اغراق نباشد طی دهه‌های اخیر که جهان شاهد تحولاتی وسیع و عمیق تر از گذشته بوده است، می‌توان همه این پیشرفت‌ها را حاصل توجه به رعایت اصل شایسته سالاری دانست.

- امروزه شهروندان سازمانی، رعایت شایسته سالاری را از خواسته‌های به حق خود می‌دانند و از مدیران خود می‌خواهند که راهبردهای نوینی برای رعایت این اصل در واگذاری مناصب و مشاغل کلیدی سازمان تبیین کنند و بر اجرای کامل آن نظارت و کنترل داشته باشند.

- شایسته خواهی به معنای ایجاد فر هنگ و راه‌آوردی جمعی به منظور دوست داشتن، خواستن و بهره‌گیری از شایستگان و ارج نهادن به آنان، به عنوان یک استراتژی تغییر ناپذیر شایسته‌یابی به معنی بهره‌مندی از شیوه‌های نوین برای جذب نیروهای شایسته شایسته‌گزینی به معنی استفاده از روش‌های بهینه در انتخاب مناسب‌ترین فرد برای مشاغل کلیدی شایسته‌گماری به معنی رعایت تناسب مشاغل و شایسته‌سالاری به معنی تأمین نیازهای روحی، روانی و معیشتی شایستگان در سازمان است. اهتمام و توجه به فرایندهای مذکور را می‌توان شایسته‌پروری تلقی کرد.

- واژه شایسته سالاری را می‌توان این گونه تعریف کرد که بر اساس آن شهروندان از طریق نظام‌های آموزشی، مدرسه‌ای و دانشگاهی و با تلاش و کوشش فراوان، استعدادهای خود را شکوفای می‌کنند و در نهایت، فارغ از طبقه، اجتماعی، ثروت، نژاد، قومیت و جنسیت، برای تصدی مناصب مختلف، تنها بر اساس شایستگی برگزیده می‌شوند.

- شایسته سالاری در مفهوم مرسوم، نظامی است که در آن پادشاه و منابع کمیاب به افراد دارای صلاحیت اختصاص می‌یابد، بدین معنی که مردم باید با وعده موفقیت‌ها، حُرکتی رو به بالا بر مبنای استعداد، تلاش فردی خود داشته باشند و این همان رد و انکار نظام‌های طبقاتی و اشرافی است که در آن افراد بر اساس قواعد موروثی و جانشینی به موقعیت اجتماعی دست می‌یابند؛ اما برخی از معیارهایی که ما

### رویکرد

## پنج سبک مدیریتی ضد توسعه در ایران



رضا قاسمی پور  
عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت  
h.zanganji@gmail.com

بنابر اعلام آمار رسمی در حال حاضر بیش از ۴۴۰ هزار نفر به عنوان مدیر در دستگاه‌های اجرایی کشور اشتغال به کار دارند. این در حالی است که تعداد کارمندان کشور زاین با جمعیت ۱۲۷ میلیون جمعاً ۳۰۰ هزار نفر است و مادر ایران با ۸۰ میلیون جمعیت حدود ۵/۱ برابر کل کارمندان زاین، فقط مدیر داریم. پنج شیوه مدیریتی ضد توسعه در کشور که باعث توقف و ایستایی در روند توسعه بافتنگی کشور هستند عبارت‌اند از:

۱- مدیران معامله‌گر و بی‌هویت مدیرانی هستند که از سبک پوشش تا طرز سخن گفتن خود را با گفتن دولت‌ها تنظیم می‌کنند و دوری و نزدیکی به گروه‌ها و افراد ذی نفوذ سیاسی را با شامه قوی خود می‌سنجند که چه زمانی راهنمای چپ و چه زمانی راهنمای راست را بشارند.

این تیپ مدیران از همه بیشتر تحول کشور را قفل می‌کنند. اخلاق، جوانمردی و پایبندی به قیود انسانی هرگز در قاموس این مدیران جایگاهی ندارد.

این‌ها را باید دلان سیاسی و اقتصادی نامید. برای ایشان هرگز مهم نیست چه کسی در رأس کار باشد. مهم تاریخ درم تپیده‌ای هست که روی آن می‌غلند و از منابع و مزایای دولتی و بیت‌المال ارتزاق می‌کنند. وقتی پای اصلاح‌طلبی در میان باشد، زست اصلاح‌طلبی می‌گیرند و وقتی اصول‌گرایی روی بورس باشد، گوی سبقت را از اصول‌گرایان می‌ریانند.

پیش چشم این جماعت معامله‌گر، دغدغه‌های اخلاقی، ملی و میهنی، پیشرفت کشور، جوانمردی و وطن‌پرستی خنده‌دارترین واژگان است. تنها دو چیز در نظر این مدیران مقدس است: ما باشیم و منافع ما برقرار باشد!

۲- مدیران پاره‌وقت و از راه دور این دسته از مدیران اگر چه به اسم مدیر تام و تمام یک سازمان یا اداره هستند اما واقعیت چیز دیگری است. دو روز تدریس در دانشگاه، یک روز مشاور یک شرکت، دو روز سفر کاری! اینان سازمان خود را از راه دور اداره می‌کنند. این مدیران سعی می‌کنند سازمان را با ساعات حضور خود تنظیم کنند. گاهی از خود می‌پرسم در حکم کارگزینی این مدیران مگر فوق‌العاده مدیریت و سایر مزایا بابت یک ماه کار تمام‌وقت، پرداخت نمی‌شود پس چگونه می‌پذیرند که نیمی از هفته را در محل خدمت نباشند و از این مزایا برخوردار شوند؟

۳- مدیران قبیله‌ای و عشیره‌ای این بلبه همیشگی سازمان‌های دولتی و اجرایی در کشور ماست. مدیری فقط همشهری‌های خود را به کار می‌گمارد و امور عشیره خود را ترق و تفت می‌کند. این دسته مدیران هیچ گونه درکی از نگاه ملی به مسائل ندارند. ایران و آینده کشور را در روستا و زادگاه خود می‌بینند. وقتی با یک ارباب‌رجوعی یا کارمند سازمان خود مواجه می‌شوند که در زمره همشهریان نیست، گویی با یک غیر ایرانی و بیگانه طرف هستند. ماحصل فامیل‌گرایی چیزی جز تضعیف حقوق مردم و جلوگیری از شایسته‌سالاری نیست.

۴- مدیران آکادمیک و غیر اجرایی این قبیل مدیران از مدیریت فقط دانش آن را به ارث برده‌اند. مدیران دانشگاهی اما کم‌توان و غیر اجرایی! به همه چیز از منظر مسئله و موضوع پژوهشی نگاه می‌کنند. سازمان را با کلاس درس اشتباه گرفته‌اند.

نمی‌دانند که منابع، زمان و انرژی در حدی نیست که به پای افکار و آرمان‌های انتزاعی آن‌ها تلف شود. این مدیران نمی‌دانند در کنار ارزشمندی نگاه پژوهشی به مسائل، سرعت عمل هم مهم است. این مدیران به اسم کار علمی، خواسته یا ناخواسته فرصت‌های طلایی توسعه را می‌سوزانند.

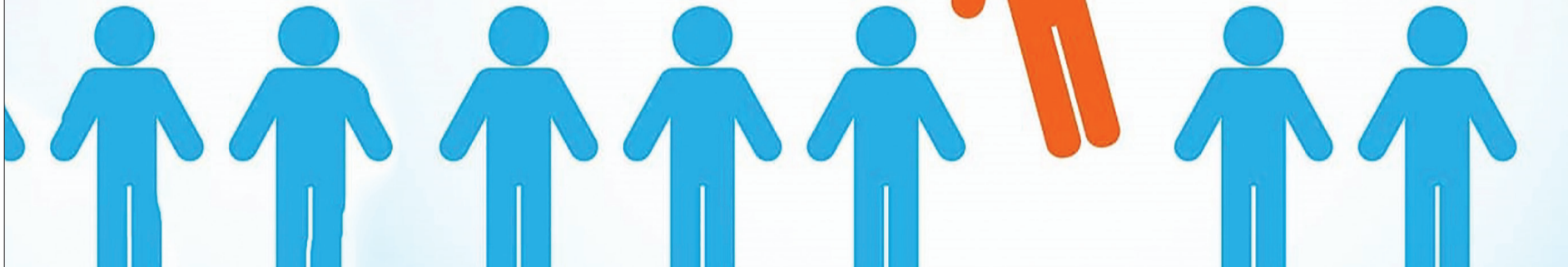
۵- مدیران ترسو و مطیع مدیرانی که می‌بینند و می‌دانند نتیجه تصمیم مافوق آن‌ها چقدر زیان‌بار است، اما به دلیل شخصیت ضعیف و منفعل خود هرگز لب به نقد و نظر نمی‌دهند.

به استعداد و تلاش افزاینده می‌دهیم، مردم را به گونه‌ای مجزأ اندازه‌گیری نمی‌کنند بلکه بر روش موزایی و در ارتباط با طبقه‌گرایی (اشراف‌گرایی) قرار دارند. آنچه که استعداد فرد را به معنی خودشده حقیقت منابعی از پست‌های اجتماعی یا فرصت‌هایی است که به وسیله فضیلت خانوادگی و تیر و تبار به او رسیده است، اگر چه به این نظام نیز نظامی شایسته سالاری می‌گوییم، اما این نظام تنها از نظام‌های اشرافی (طبقاتی) دموکراتیک تر و فدرال تساوای حقوقی بیشتر است.

جامعه ما را دو دسته باهوش‌ها و کودن‌ها تشکیل می‌دهند. تقسیم می‌کنیم، اما فرض بر این است که بیشتر مردم باهوش‌اند و وجود انجمنی مشکل از طبقه اشرافی در جامعه مطلوب لازم است. اما بهتر است قدرت و اختیار به افراد شایسته داده شود. نظام اجتماعی توسط نخبگانی رقم می‌خورد که از ضریب هوشی و تلاش بالایی برخوردارند.

- قوم‌گرایی، خویش پرستی، فامیل بازی یا خویش‌استخدامی و موروثیت یا میراث‌بری در استخدام و گرفتن مناصب دولتی را به شدت کنار نهد و با انتخاب فرد شایسته را فراتر از تنها درایون ضرب هوشی می‌توان برگزید. در مرحله انتخاب و گزینش افراد برای مشاغل و مناصب ممکن است موفقیت اجتماعی و دارای افراد در تحصیلات آن‌ها دخالت کند؛ بنابراین ملاک باید شایستگی و تلاش باشد که از طریق آزمون و امتحان و رقابت قابل سنجش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

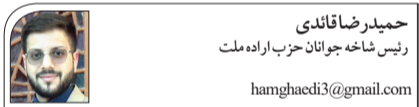
- شایسته سالاری به دو تضاد تئوریک نیز اشاره دارد. اولین تضاد، تضاد توزیعی است؛ یعنی توزیع افراد منتخب بر اساس ویژگی خانوادگی، موروثی و فامیل بازی است یا بر اساس شایستگی‌های آن‌ها، تضاد دوم سیاسی است. دموکراسی، حاکمیت مردم (منتخبان مردم) است در حالی که در شایسته سالاری حاکمیت به وسیله با استعدادترین مردم صورت می‌گیرد و برابری فرصت‌هاست که مفهومی فراتر از تبعیت صرف از برابری دارد و خود ممکن است باعث نابرابری و مبنای تناقضات بنیادین در جامعه شود. هر چند تمامی جوامع مدرن و حامی دموکراسی معتقد به میزانی از برابری - برای مثال در رأی - دارند، اما آنچه که نابرابری را در حوزه‌هایی شروع می‌کند به گونه‌ای از پیش مطن شدن ایدئولوژی برابری فرصت امکان نداشت در ارتباط با تحصیلاتی که بسیار سنجیده و مطالعه شده باشد. گاهی دیده می‌شود که شکست افراد در یک جامعه به دلیل بلدانشی به اندازه کافی در مذاکرات است، اما در مذاکرات آن، شکست به دلیل سنجیده شدن بدون معیارهای شایسته سالاری است.



## اندر احوالات سقف سنی مدیران

تعداد افراد جامعه (جامعه هدف قانون) در سرسپردن به امری و بیش از آنکه قهر یا جبراً حاکم شود باید در فرهنگ جامعه‌ی هدفش ایجاد گردد. جوانان منتظرند لویح‌پیش از آنکه به صورت قاعده و قانون درآیند در شالوده فکری مسئولان بجوشد که این امر مؤثرترین ضامن اجرای مصوبات است.

رئیس‌جمهور یا این مصوبه با جوانان سخن می‌گوید، او به دنبال جوان باوری است همان‌طور که به زنان باور دارد اما نمی‌شود شاید هم نمی‌گذارند! مصوبه به ما می‌گوید اصلاح قانون بازنشستگی فرهنگ بسیاری از ارکان دولتی را متحول نساخته و مجبوریم جوان باوری را به شکل قاعده، شیوه یا قانون درآوریم و ارکان و مدیران را موظف به انطباق خود با این الگوی رفتاری و فکری نماییم. علی‌ال‌حال باید صبر سینه‌شسته‌شده و کارکرد قوانین حامی جوان باوری را نظاره نماییم.



حمید رضا قاسمی  
رئیس شاخه جوانان حزب اراده ملت  
hamghaeidi3@gmail.com

سقف سنی مدیران کشور مشخص شد لکن این مصوبه بیش از آنکه ذوق‌آورد باشد مایه‌ی نگرانی است. میدانیم که سال گذشته قانون اصلاح بازنشستگی دستخوش اصلاحی شد تا (شاید) مدیرانی که وارث جاه و منصبی بودند را تغییر داده و ادارات را دچار تطوری محسوس نمایند. اصلاح قانون بازنشستگی گنجانشی ایجاد کرد اما کافی نبود. مصوبه‌ی فوق قابل تقدیر است اما چرا رعب ناک به نظر می‌رسد؟! به اندیشه‌ی نگارنده قانون در رابطه با تعهد معنی می‌آید؛ یعنی

## چرا باید توان ضعف مدیران عافیت طلب را مردم پرداخت کنند؟

گلوگاه‌های مشکلات گریبان‌گیر مردم چیزی شنید نشد و اما در عالم واقعی هر روز بر مطالبات و مشکلات مردم اعم از معیشتی و بوروکراسی اداری انباشته می‌شده به طوری که عمق این ضعف‌ها و ناتوانی‌ها در بی‌توجهی ناشی از ضعف عملکرد مدیران عمدتاً ریشه در انتصاب بی‌ضابطه و با معیارهای لابی‌گری، رفیق‌بازی به جای شاخص‌های شایسته سالاری، خلاقیت، دانش و تخصص حکایت دارد. اکثر مدیران انتصاب شده آنانی هستند که حداقل در یکی دو دهه اخیر در همان صندلی‌ها جا خوش کرده‌اند. متحان پس داده‌اند و تقریباً می‌توان ادعا کرد بخشی از اوضاع و شرایط حاکم کنونی ناشی از ضعف عملکرد آنان است که انتصاب مجدد آنان به معنی ادامه روند گذشته و تعمیق مشکلات، به لحاظ عدم موفقیت آنان بوده است



کومرت کامالی  
نویسنده و پژوهشگر  
Klm337@yahoo.com

قریب به دو سال است که فعالان سیاسی و اجتماعی به عنوان ناظران وقایع مدیریتی به جهت ارزیابی عملکرد مدیران اقتصادی، اجتماعی و به ویژه سیاسی در بزنگاه‌های مختلف از باب دلسوزی برای بهبود روند امور با توجه به شرایط ویژه و حساس داخلی و خارجی حاکم بر فضای سیاسی و اقتصادی در مقیاس ملی بر حکمران محلی از سرخیر خواهی هشدار و گوشزد نمودند و با وجود این همه ضعف‌ها و ناتوانی‌ها در مناسبات مختلف در قالب سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها جز تعریف و تمجید و فتح الفتوح

## مدل نوردیک در کشورهای اسکاندیناوی چیست؟

تقدیم می‌کنند، چون می‌دانند که اگر کارشان به بیمارستان کشید یا به دانشگاه رفتند نیازی نیست پول پرداخت کنند. اگر شما پول بیشتری در بیاورید باید مالیات بیشتری هم بدهید، بنابراین در این نظام فاصله طبقاتی ایجاد نمی‌شود. فقر که نباشد و هر کسی دستش در جیب خودش باشد، بخش بسیار زیادی از جرم و جنایت هم خود به خود محو می‌شود و جامعه به امنیت می‌رسد و مردم فرصت می‌کنند و قششان را صرف کارهای مهم‌تری کنند. مثلاً می‌توانند و قششان را به کارهای مفیدی مثل کسب علم برای خود علم (و نه درس خواندن برای مدرک گرفتن و پشت میز نشستن و انجام دادن کار راحت‌تر و دریافت پول بیشتر)، اختصاص دهند که این خودش باعث پیشرفت‌های بعدی می‌شود.

شما اگر با فرهنگ حاکم بر اسکاندیناوی بزرگ شوید حرص و طمع نخواهید داشت و نیاز ندارید زیر آب کسی را بزنید چون جدا از برقراری نظام شایسته سالاری، از امنیت شغلی بسیار خوبی برخوردار هستید تا حدی که مثلاً دولت سوئد تضمین می‌کند اگر شغلتان را به هر دلیلی از دست دادید تا ۲۰۰ روز بعد ۸۰ درصد از چیزی که حقوق می‌گرفتید را به عنوان بیمه بیکاری به شما پرداخت کنند، اگر ۱۰ روز دیگر هم ادامه یافت این رقم به ۷۰ درصد کاهش می‌یابد و اگر باز هم ادامه داشت ۶۰ درصد می‌شود. به عبارت ساده‌تر، اگر کودکی در این کشورها به دنیا بیاید قبل از ترخیص شدن از بیمارستان، خود به خود ۲ مرحله از مراحل هرم مازلو (معروف به هرم سعادت) را پشت سر گذاشته است.

برگرفته از: سایت پارسیته

سیستمی که دولت‌های اسکاندیناوی برای اداره کشورهایشان به کار می‌برند چیزی است که به مدل نوردیک معروف است که خودشان از آن به عنوان «سیستم رفاقتی» نام می‌برند. بارزترین خصوصیتی که در این سیستم وجود دارد این است که نفع عمومی بر نفع فردی ترجیح داده می‌شود. بگذارید سیستم نوردیک را با سیستم سرمایه‌داری آمریکایی مقایسه کنیم. در آمریکا شما چه بیل گیتس باشید که مثلاً برچی ۱۰ میلیون دلار درآمد دارد و چه یکی از کارمندان بیل گیتس باشید که حقوقش ۱۰ هزار دلار است، اداره مالیات ۱۳ درصد از حقوق شما را به عنوان مالیات اخذ خواهد کرد تا برای منافع عمومی مورد استفاده قرار دهد. مطمئناً در چنین نظامی قشر ثروتمند روز به روز پولدارتر می‌شوند و قشر متوسط باید دائم دنبال پول بوند.

بعد از مدتی جامعه به دو قشر کم درآمد و غنی تقسیم می‌شوند و کم‌درآمدها که قسمت عمده‌ی جمعیت را تشکیل می‌دهند، تحت فشار قرار گرفته و برای کسب رفاه بیشتر رو به کارهای خلاف قانون می‌آورند؛ بعد از مدتی اتحاد اجتماعی از هم فرومی‌پاشد و جنبش‌هایی نظیر جنبش ۹۹ درصدی در آمریکا تشکیل می‌شود که نسبت به این بی‌عدالتی‌ها اعتراض می‌کنند. حالا شما ببینید و میکرو فن دستتان بگیرید که به پیر به پیغمبر این پول‌ها را باز حمت در آوردم مگر به خرج کسی که به سختی زندگی می‌کند می‌رود؟ اما در کشورهای مثل نروژ و سوئد و دانمارک، دولت ۴۰ درصد تا ۶۰ درصد از درآمد شما را مشمول مالیات می‌کند که البته مردم این کشورها بدون هیچ گونه کارشکنی و اعتراضی این مبلغ را دوستی به دولت

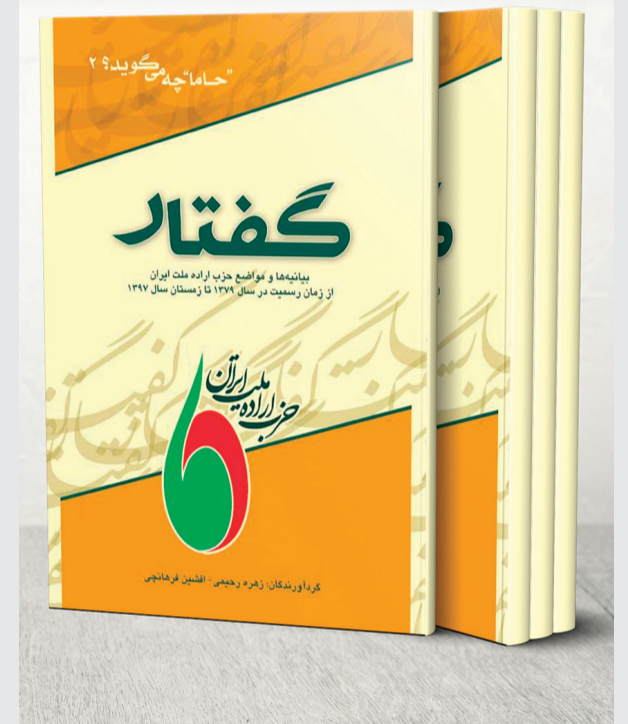




معرفی کتاب

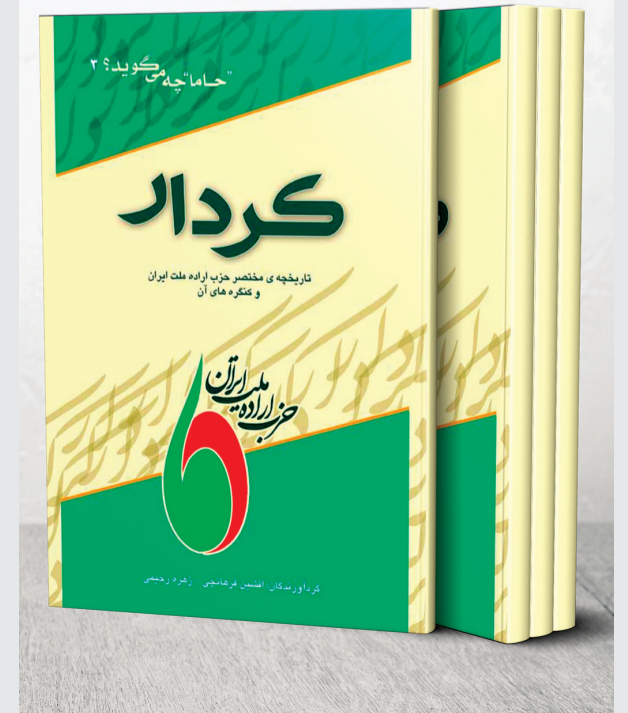
«حاما چه می گوید؟»  
گفتار «منتشر شد»

به گزارش حامانیوز دومین کتاب از انتشارات حزب اراده ملت به نام «گفتار» از سری مجموعه «حاما چه می گوید؟» شامل بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های حزب اراده ملت ایران (حاما) می‌باشد که از بدو صدور مجوز رسمی توسط کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب، به‌عنوان مواضع رسمی حزب انتشار یافته و در کنار چند بیانیه که توسط سازمان جوانان و دانشجویان حزب، کمیته‌ها و کارگروه‌ها منتشر شده است، بیان‌گر نقطه نظرات حزب در خصوص مسائل و رویدادهای مهم کشور می‌باشد. این مجموعه، امکان دسترسی آسان و یکجا برای اعضا و هواداران حزب جهت اطلاع از سیر مواضع رسمی و علنی حزب در مقاطع حساس و در امور مهم جامعه را میسر می‌سازد.



«حاما چه می گوید؟»  
کردار «منتشر شد»

به گزارش حامانیوز سومین کتاب از انتشارات حزب اراده ملت به نام «کردار» از سری مجموعه «حاما چه می گوید؟» شامل تاریخچه‌ی حزب و کنگره‌های آن می‌باشد. کنگره‌های حزبی از این جهت اهمیت دارند که به‌عنوان مهم‌ترین وقایع در تاریخ احزاب شناخته می‌شوند و عصاره‌ی کنش‌های حزبی در ماه‌ها و روزهای منتهی به خود می‌باشند. کنگره‌ها تبلور تمام اقدامات احزاب هستند. گرچه در فاصله‌ی بین کنگره‌ها اتفاقات خرد و کلان زیادی می‌افتد، ولی کنگره‌ها معمولاً شروع یک دوران جدید را نوید می‌دهند، از این‌رو مطالعه‌ی اسناد مربوط به آن،



نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی

باید واقعیت‌ها را به مردم گفت

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این که پیروزی دشمن در جدایی سرمایه‌های اجتماعی نظام از مسئولان است، گفت: باید واقعیت‌ها را به مردم گفت، چرا که آن‌ها نظام خود را دوست دارند و پای آن ایستاده‌اند.

شهاب‌الدین بی‌مقدار در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اینکه حفظ اعتماد مردم به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی کشور چه تأثیری بر مقاومت کشور در برابر مداخلات خارجی و فشار تحریم‌ها دارد؟ اظهار داشت: این که آمریکا دشمن کشور ماست یک امر واضح است و دشمن هیچ‌گاه بیکار نمی‌نشیند، موفقیت آمریکازمانی خواهد بود که بتواند مردم را از حاکمیت جدا کند و اکنون تمام تلاش خود را به کار گرفته تا این عمل محقق شود.

وی در ادامه اظهار کرد: یکی از ابزارهایی که آمریکا برای فاصله بین مردم و مسئولان در دست گرفته است، تحریم‌هاست که امروز تأثیر خود را بر زندگی مردم گذاشته است. می‌شود با برنامهریزی و کاهش وابستگی بودجه به نفت تأثیر فشارهای آمریکارا کاهش داد.

این عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی تصریح کرد: بنده در زمان بررسی لایحه بودجه سال جاری در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد دادم تا سرمایه‌ها و نهادها و بخش‌های غیر دولتی برای کمک به دولت استفاده کنیم و اصلاً خودمان از فروش نفت دست‌بکشیم.

حذف چهار صفر از پول ملی

درواقع قیمت قبل از حذف صفر است. در ستون چهارم قیمت را بعد از حذف صفر قرار می‌دهیم. رسم کاسبی بر این است که خرده‌ی قیمت را به سمت بالا گرد کنیم و خرده‌ی بدی را به سمت پایین گرد کنیم. در ستون پنجم قیمت گرد شده را قرار می‌دهیم و سپس در ستون ششم یک صفر به قیمت اضافه می‌کنیم. در ستون هفتم که ستون آخر است مابه‌التفاوت ستون ششم و ستون سوم را حساب می‌کنیم. جمع ستون هفتم مقدار تورم ناشی از حذف صفر را به ما نشان می‌دهد.

با یک مثال موضوع را توضیح بدهم. اگر برای مثال صورتحساب موبایل شما دوازده هزار و یکصد و سی و دو ریال باشد، در ستون سوم یا همان فی یک می‌نویسیم دوازده هزار و یکصد و سی و دو ریال و سپس در ستون چهارم یا فی دو می‌نویسیم یک هزار و دویست و سیزده تومان و دو ریال و بعد عدد را به نزدیک‌ترین عدد بالاتر گرد می‌کنیم که احتمالاً یک هزار و دویست و سیزده تومان و پنج ریال می‌شود و در ستون پنجم قرار می‌دهیم. بالاخره در ستون ششم یک صفر اضافه می‌کنیم و به عدد دوازده هزار و یکصد و سی و پنج ریال می‌رسیم. در ستون آخر به عدد سه ریال می‌رسیم که از حاصل تفریق ستون هفتم و ستون سوم به دست می‌آید. حاصل جمع این ستون تورم تحمیل شده بر دوش خانوار به دلیل حذف صفر و فارغ از سایر عوامل تورم‌زا است.



بهمن کبیری پرویزی

bkp2001ir@gmail.com

اگر با خود صادق باشیم و بدون آن‌که ملزم به گزارش دهی به دیگران باشیم به راحتی می‌توانیم علت حذف صفر را دریابیم. به‌منظور یافتن علت اصلی این کار باید برای زندگی روزمره خود یک سند حسابداری تشکیل دهیم. کاری که اغلب ما در زندگی روزمره انجام نمی‌دهیم. سر ستون اولمان ردیف است و سر ستون دوم شرح است. سر ستون سوم فی یا همان قیمت و



سخنگوی حزب اراده ملت (حاما):

تحریم وزیر امور خارجه؛ انفعال کاخ سفید



محمدهادی جامعی سخنگوی حزب اراده ملت ایران در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی ایرنا در واکنش به اقدام وزارت خزانه‌داری آمریکا برای تحریم وزیر امور خارجه ایران، گفت: ارتباطات، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و استفاده از قدرت نرم به همراه دیپلماسی فعال در عرصه بین‌المللی از نکات مثبتی است که محمدجواد ظریف را در سطح جهان برجسته کرده است. وی افزود: توان اقلان، نفوذ کلام، تجربه، تخصص به همراه دیپلماسی موفق، از ظرفیت‌های برجسته ساخته که موجب عصبانیت هیات حاکمه آمریکا و انفعال گروه «بی و فشار» آن‌ها برای تحریم ظریف شده است.

سخنگوی حاما خاطر نشان کرد: دولت آمریکا شناخت و درک کافی از سیاست داخلی و ارتباط ارکان مختلف حاکمیت در ایران ندارد و تحریم ظریف هم از سردرگمی آن‌ها حکایت دارد. اگر این تحریم برای کنار گذراندن ظریف باشد دخالتی آشکار در امور داخلی ایران و اگر برای تضعیف توان دیپلماتیک ظریف در عرصه بین‌المللی باشد نشان از انفعال کاخ سفید دارد.

جامعی تحریم ظریف را در نوع خود کم‌سابقه دانست و یادآور شد: افشاگری و منطق ظریف در گفت‌وگو با رسانه‌ها و هم‌تایان خود، هیات حاکمه آمریکا را در موضع ضعف قرار داده است. سخنگوی حاما ضمن محکوم کردن این اقدام، دولت‌مداران آمریکا را به واقع‌بینی در جهت برداشتن تحریم‌ها و بازگشت به برجام دعوت کرد و گفت: اگر چه کاسپین تحریم از آرامش و گفت‌وگو ضربه می‌خورد و در پی بالا بردن تنش‌ها هستند اما تحریم ظریف توان دیپلماسی ایران را تضعیف نمی‌کند.

غلامرضا شهسواری، دبیر حزب اراده ملت ایران شهر ستان قزوین

تأمیلی در انتخاب سرپرست شهر داری قزوین



هر چند از علت استعفای شهر دار قزوین فعلاً خبری به جراید و افکار عمومی منعکس نشده است و بنده نیز مانند سایر همشهریان قزوینی خبر موقتی در این خصوص ندارم لکن شوربوختانه مدتی است؛ نهادهای مدنی و حلقه‌های واسط بین حاکمیت و مردم از سوی نهادهای اقتدار گرای غیر پاسخگو در معرض تحدید و احضار قرار گرفته‌اند عواقب آن برای جامعه و نهادهای اجتماعی خوشایند نخواهد بود. احضار و بازداشت چند تن از اعضای شورای شهر شیراز و اخیراً بازداشت شهردار شیراز نمونه‌ای از روند جاری است که با واکنش اعضای شورای شهر تهران مواجه شد. هر چند سخنگوی قوه قضائیه سیاسی بودن این دستگیری‌ها را انکار نموده و بر خورد و کشف جرم را از وظایف قوه قضائیه اعلام نمود اما اظهارات سخنگوی قوه قضائیه جامعه خبری و کنج‌گوار اقلان نموده است. نهادهای مدنی و خبرنگاران انتظار دارند قوه قضائیه برابر صراحت قانون اساسی؛ جامعه را از غل و غمی واقعی این دستگیری‌ها مطلع نماید؛ در غیر این صورت رسانه‌های جمعی و فضای مجازی؛ در نبود اخبار موثق احساس خواهند کرد با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس شورای اسلامی این احضار ها و بازداشت‌ها و استعفاها هادفمند و سیاسی بوده و عده‌ای در صدد هستند انتخابات آتی را مهندسی نمایند. بسی روشن است انتخاب شهر دار قزوین از وظایف شورای اسلامی شهر است اما مردم انتظار دارند فردی که به امور خدمات شهری؛ ترافیک؛ مدیریت شهری و تعهد و تخصص آراسته است و دارای سابقه باشد به چنین پستی انتخاب گردد.

از ریاست محترم شورای اسلامی شهر قزوین؛ به‌عنوان پارلمان محلی انتظار می‌رود به مثابه قاعده اسلامی شور و مشورت، از همه‌طیف‌های سیاسی و نهادهای مدنی برای انتخاب احسن نظر خواهی نموده و سپس کارنامه کاندیداهای پیشنهادی در معرض انتخاب اعضای شورای شهر قرار می‌گرفت. چگونه است تشویق و تحریک مردم به شرکت در انتخابات از سوی حضرت حجه‌الاسلام قوامی حسن است اما انتقادوی از نحوه انتخاب سرپرست شهرداری دخالت تلقی گردیده است. این بنده ناقابل اعتقاد دار د شوری شهر نباید میدان رقابت سیاست باشد بلکه به‌دور از راست، چپ و میانه با امکانات موجود در خدمت این مردم فداکار باشند.

دعوت شرفی دبیر حزب اراده ملت ایران شعبه گلستان:

اطلاع‌رسانی و مطالبه‌گری جدی  
در بحث خلیج گرگان



در نشست حزب اراده ملت ایران شعبه گلستان در دفتر این حزب شرفی دبیر حزب ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌های انجام شده، با اشاره به دیدار با استاندار محترم گلستان، گفت: یکی از مباحث مهم مطرح شده در نشست با حق شناس، موضوع توجه به منابع طبیعی و محیط زیست بود. متأسفانه برخی سوء مدیریت‌ها به این عرصه‌ها آسیب جدی وارد کرده که باید هرچه زودتر مرتفع گردد. مطلب مهم دیگر وضعیت خلیج گرگان است که جناب استاندار در این خصوص هشدار دادند و لازم است تمام دستگاه‌ها برای رفع هرچه سریع‌تر این معضل به میدان بیایند. شرفی گفت: بنده از تمام هم‌نودان گرامی تقاضا دارم در بخش محیط زیست و منابع طبیعی به‌ویژه بحث خلیج گرگان اطلاع‌رسانی و مطالبه‌گری جدی داشته باشید. در ادامه این نشست بازخوانی و آموزشی مرانامه حزب اراده ملت ایران در دستور کار قرار گرفت که جناب دکتر انصاری مسئول کمیته آموزش، در این بخش با اشاره به مفاد مرانامه، توضیحات لازم را ارائه کردند. حزب اراده ملت ایران در سطح کشور توجه به امر آموزش را در اولویت خود دارد و این امر در شعبه گلستان نیز به‌طور جدی به انجام می‌رسد.